

عقل و ذوق

www.ketab.ir

نگارش
میرزا علی مظهر اصفهانی

به کوشش و تحقیق
سید احمد حسینی اشکوری

عقل و ذوق

احمد حسینی اشکوری

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

حروفچینی: محمدرضا اصف آگاه

شابک: ۹ - ۶۹۸ - ۳۹۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

صندوق پستی ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

info@Dalilema.com

WWW.Dalilema.com (خرید از طریق سایت امکان پذیر است)



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- (۱) قلم، انتهای خیابان صفائیه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فست‌فود دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- (۲) تهران، خیابان انقلاب، خ فنرآزی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- (۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گسنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵ - ۲۲۳۷۱۱۳

سرشناسه: حسینی اشکوری، احمد، ۱۳۱۰ -

عنوان و پدیدآور: عقل و ذوق / احمد حسینی اشکوری.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.

شابک: 9 - 698 - 397 - 964 - 978 ISBN:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: اندرزنامه‌های فارسی

موضوع: اخلاق اسلامی - شعر

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ع ۵۳ ح / PIR ۴۰۰۰

شماره رده دیویی: ۳۹۷ / ۹ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۵۷۳۹۷

* * *

کتابی که در پیش روی دارید، تحفه‌ای است ادبی دینی عرفانی به روشی جالب و تشویق‌کننده صاحبان ذوق و علاقمندان به ادب فارسی. نگارنده این اثر پند و اندرز را به روش واعظان و سخنگویان حرفه‌ای عرضه نکرده بلکه نصایح و راهنمایی به اخلاق و کردار نیکو پسندیده و نکوهش از رفتار زشت و ناپسند را، در ابیاتی نغز و گفتارهایی کوتاه در بساط گسترده خود نهاده و به دستیابی به خیر دنیا و جایگاه برازنده عقبی دعوت می‌نماید. روشی ابتکاری و دلپسند، پرفایده برای پیر و برنا.

در هر يك از فرازهای این تحفه ادبی، امکان قلم‌فرسایی و سخن‌سرائی بسیار بود، ولی مؤلف ما با اشاراتی کوتاه و عباراتی به نظم و نثر زیبا دنیایی از معارف را در اختیار خواننده قرار داده و او را با لاطائلات پیچیده سرگردان نکرده است. گویا بنای مؤلف، چنان که در دیباچه آشفته و ناتمام خود گوید، بر این بود که کتاب خود را در دو کانون (بخش - فصل) تنظیم نماید، دارای دو یست جمره و هر جمره دارای دو حرارت و يك اثر، کانون اول در نصایح و پندهایی که به کار دنیا آید و کانون دوم در راهنمایی‌ها و اندرزهایی که به کار آخرت آید، و در حقیقت

رهنمون به دنیای آباد و روز واپسین شاد باشد تا انسان در هر دو جهان زیستی آسوده داشته باشد.

نسختی که در دست داریم، گویا ناتمام مانده است با این که عبارات و ابیات پایانی آن مانند کتابهای پایان یافته می باشد، چه این که عناوین دو کانون در نسخه نیامده و بندهای آن به يك صد و شصت و پنج رسیده است. کتاب را نویسندگان بازنگری کرده و مطالبی در بعضی از حواشی صفحه ها افزوده ولی شماره جمره ها (بندها) را به دو یست نرسانده و عناوین کانون ها را کاملاً مشخص نکرده است. از این که دیباچه به صورتی بسیار آشفته در صفحه های پایان نسخه آمده، به نظر می رسد این تحریر پیش نویس کتاب بوده برای تحریری دیگر با نظم که مؤلف در ذهن داشته ولی توفیق تکمیل آن را نیافته یا نسخه مرتب آن به دست ما نرسیده است. در این نسخه، کتاب به دو فصل تقسیم شده که فصل اول در بند (۷۸) پایان می یابد و فصل دوم تا بند (۱۶۵) را دارد.

در هر يك از فرازاها (بندها یا جمره ها) بیتی شعر فارسی از مؤلف یا شاعران دیگر، با عنوان «عقل گوید» آمده، توضیح و شرح مختصری که بیانگر مقصود در آن فراز باشد با عنوان «ذوق گوید» می آید. در نتیجه گفتاری کوتاه مانند گفتارهای حکیمان و اندرز دهندگان با لفظ «پس» آورده می شود. در بیشتر بندها آیتی از قرآن کریم یا حدیثی از خاندان عصمت علیهم السلام نقل می شود تا چاشنی و تأییدی باشد برای آن چه را که در بند خاص مقصود نگارنده می باشد. رهنمودهای این کتاب چون موافق هوای نفسانی بیشتر انسان ها و قوای شهوانی حیوانی شهوت پرستان نیست، نگارنده آن را «میزان الشهوات» نامیده، بدین معنی که ترازوی خواسته های دل می باشد و همگان می توانند با این ترازو نیک نهادی یا بداندیشی خود را بسنجند. ولی به مناسبت تکرار کلمه «عقل» و «ذوق» در تمام بندها، مناسب دیدیم عنوان «عقل و ذوق» را روی جلد انتخاب کنیم تا به کام زیبا پسندان خوشاینده تر آید.



میرزا علی فوزند عبدالرسول اصفهانی متخلص به «مظهر» از ادبا و شعرای باذوق می باشد که ناشناخته مانده است. اصلاً از اصفهان و حدود سال ۱۲۷۶ ق در همدان چشم بدین جهان گشود. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی به خدمت یکی از خوانین همدان (امیر افخم قراگوزلو لوشورینی) جذب شد و تا پایان عمر در خدمت او بود.

مظهر از سخن سرایان توانا و شعرای برجسته همدان بشمار می رود که در فنون مختلف شعر را تجربه کرده و دیوان کاملش حدود ده هزار بیت می باشد. گویند که در مقامه نویسی مانند بدیع الزمان همدانی بود. این نشان می دهد که در ادبیات عرب نیز تبحر داشته و اطلاعات لغویش بسیار گسترده بود.

اخلاق و اطوار خوب و مرغوب او مورد ستایش آشنایانش بود. با همه هنر و کمالات ادبی از زندگی چندان دلخوش نبود و در جای جای اشعارش شکوه از روزگار به چشم می خورد، ولی به کمال و هنر خویش خرسند می باشد و به این امتیاز خود می بالد:

گر ز فقر و فاقه گمنام نخستین زمینم

مظهرم در شعر و دانش شهره آخر زمانم

مظهر به فلسفه و مسائل عقلی آشنا بود، و این حاشیه را در کنار بند (۱۶۲) کتاب حاضر افزوده که دلیل بر اطلاع وی به این دانش آمیخته به عرفان می توان باشد: «هو

بکشف نفس دون را بخاک هلاک که سر بر فلک در کشد نفس پاک

این که کلمات انبیاء و اولیاء علیهم من الله السلام و منا التحية والثناء، ظاهراً و باطناً اغلب مشتمل است در امر به تزکیه نفس و نهی از تدسیه آن، بلکه -والذی بعثهم بالحق- که برانگیخته نشده اند مگر برای همین مطلب، اما از این نفس مراد کدام نفس است؟ «نفس نامیه نباتیه، لا والله، والا بایستی نباتات نیز مأمور به تزکیه نفس باشند، و نیستند. و شاید در حق کسانی که عمر خود را صرف تربیت این نفس می کنند می فرماید ﴿كَمْثَلِ شَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ﴾ [ابراهیم: ۲۶]. یا نفس حساسه حیوانیه مراد است، نه بالله، والا بایستی حیوانات نیز مکلف به این تکلیف باشند، و نیستند. یحتمل در حق کسانی که وقت خود را بذل تقویت این نفس می کنند می فرماید ﴿أَوَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ الْغَنَامُ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾ [الأعراف: ۱۷۹]. یا مراد آن ماء الحیاة سرچشمه وجود و لطیفه ربانی، اعنی نفس مدرکه ناطقه انسانی است که «مَنْ عَرَفَهَا فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» می فرماید. یا لیت اگر به دیده انصاف بنگری پس از باده (یازده؟) قسم عظیم و سوگند جسیم می فرماید ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّبَهَا﴾ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا [الشمس: ۹-۱۰]. ضمیر راجع به نفس است که به تحقیق رستگار شد کسی که پاکیزه داشت نفس را، و به تحقیق ناامید شد کسی که آلوده کرد آن را. پس:

زمین خویش را افلاک کن نفس را از آلودگی ها پاک کن

از این قطعه دانسته می‌شود که مظهر از دانش‌های دینی نیز برخوردار بوده و در ساختار فکری از آیات قرآنی بهره می‌برده و سعی می‌کرده که اندیشه‌هایش را با دانش کتاب الهی تطبیق دهد.

مظهر با همه رنج و گرفتاری‌هایی که در زندگی خود داشته، اشعار رقیق و نکات ظریف در کلماتش فراوان دیده می‌شود. به قول خود از قلمش «لؤلؤ شهوار» می‌ریخته که گوید:

ز کلك مظهر ما لؤلؤ شهوار می‌ریزد

تعالی الله ز طبعش ابر نیسان است پنداری

در بند (۶۵) این کتاب، کار خود را چنین می‌ستاید:

ز مغز سخن صفحه را پوست کن چو مظهر حدیث از رخ دوست کن
گاهی از فخرالدین عراقی همدانی پیروی کرده و به سبک اشعار او سروده‌هایی دارد.

برای نشان دادن منزلت شعری وی این غزل آورده می‌شود:

باز ای دل گوش شیطان کر دلیری کرده‌ای
جسته‌ای از چنگ گرگ نفس شیرینی کرده‌ای

عقل را در جان و دل ره داده‌ای پنهان ز عشق

بی‌سر و پا عاشقی را دستگیری کرده‌ای

جان شیرین را بدشمن داده‌ای در راه دوست

تلخ شد کامت ولیکن دلپذیری کرده‌ای

دل بدرد و داغ دادی جان مهذب ساختی

کار صاحب‌دولتی را در فقری کرده‌ای

از شراب کهنه میگوئی سخن وز یار نو
فکر اوضاع جوانی را به پیری کرده‌ای

ای دل اندر پرتو رویش بازادی ببال
چون بدام زلف او عمری اسیری کرده‌ای

در مقام شاعری مظهر زطور این غزل
مولوی نتوان شدن اما ظهیری کرده‌ای

همان‌گونه که از متفرقات اشعار مظهر پیداست، در وادی عرفان و سیر
وسلوک هم قدمی برمی‌داشته، از ذوق عرفانی بی‌بهره نبوده و به مراحل سیر
وسلوک و تهذیب نفس به طریق عارفان (بلکه صوفیان) کاملاً آشنا بوده، به پیری
به نام همت علی‌شاه سرسپرده و مکرر در اشعارش او را یاد می‌کند.

مظهر اشعار بسیاری در مدح و منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
و بهاریه‌ای در نظم داستان معراج آنحضرت و قصیده بلندی در مدح حضرت امام
زمان دارد که از نکته‌های ادبی بسیاری برخوردار است و از ذوق لطیف و روح
ظریف شاعر خبر می‌دهد و در ضمن مقام ارجمند اظهار ارادت و محبت او را به
رسول اکرم و خاندان اطهرش می‌رساند.

مظهر در دی ماه ۱۳۰۴ ش به سن هفتاد و دو سالگی در همدان چشم از این
جهان فرو بست، پیکرش به قم برده و در جوار حضرت معصومه علیها سلام به
خاک سپرده شد. حاج سید احمد مجتهد در جزینی متخلص به «کوثر» تاریخ
درگذشت او را چنین سروده است:

آفتاب از ضمیر مظهر باد شمع هر بزم منیر مظهر باد
کوثرش در دعا می‌گوید (آب کوثر نصیب مظهر باد)

شرح حال مظهر در کتاب «بزرگان و سخن سرایان همدان»
۱۹۰/۲ و «تاریخ مفصل همدان» ۵۸/۳ دیده می‌شود.





* * *

نسختی که در تحقیق و تصحیح این کتاب مورد استفاده قرار گرفت، به خط مؤلف می‌باشد که به سال ۱۲۹۸ قی نوشته شده و گویا پیش نویس باشد و شاید «مظهر» می‌خواسته کتاب را بازنگاری کند که بدین کار توفیق نیافته یا انجام شده و به دست ما نرسیده است.

خط نستعلیق شکسته نیکو و عبارتهای عربی با شکرگرف اعراب دارد. عناوین «عقل گوید» و «ذوق گوید» و «پس» در هر فراز شکرگرف در حاشیه بعضی صفحه‌ها افزودگی‌هایی آمده، بعضی از آنها با شماره در متن و حاشیه‌نمایی دارد که باید در متن باشد و پاره‌ای بدون شماره است، ما آن چه را که کاملاً مربوط به متن بود در جای مناسب قرار دادیم و نوشته‌هایی که مناسب به نظر نیامد در متن آورده نشده است.

روی برگ اول چند یادداشت و تک‌بیتهایی به خط مؤلف افزوده شده و این بیت نغز در این صفحه دیده می‌شود:

جزو شو تا يك زمانی گل شوی خار شو تا دیر کانی گل شوی

در صفحه اول پس از عنوان کتاب «کتاب النصایح» تقسیم آن در دو فصل،
وانگاه به فراز اول اصل کتاب شروع می‌شود. دیباچه در پشت برگ ماقبل آخر
نسخه با آشفته‌گی بسیار نوشته شده. در سه برگ آخر نسخه قصیده‌ای با قافیه نون
وردیف «است» از مظهر و پراکنده‌هایی به خط وی افزوده شده است.

گویا نگارنده آیات و روایات را از حفظ می‌نوشت که گاه در آنها غلط یا
اختلاف دیده می‌شود، ما آن چه در آیات صحیح است آورده‌ایم و روایات را
چنانکه در کتاب بود بدون تصرف آورده شده و با بازگشت به منابع ذکر شده پس
از ترجمه آنها اختلاف آشکار می‌گردد.

برای کمک به فارسی زبانان، آیات و روایات و اشعار و عبارتهای عربی را، در
پانویشت به فارسی برگردانده‌ایم و سعی شده است که جمله‌های فارسی بدون
پیچیدگی باشد تا همه خوانندگان بتوانند بهره ببرند.

منابع روایات نقل شده در متن را ایشان داده‌ایم. اما اشعار فارسی که گویا
بیشتر آنها از خود مظهر می‌باشد، همانگونه که در متن بوده آورده‌ایم بدون
یادآوری نام شاعران سراینده آنها.

مجموعاً نسخه خالی از آشفته‌گی نبود و در تنظیم دقت لازم داشت، تا آنجا که
فرصت اجازه می‌داد ما بدون شتابزدگی کار تحقیق و تصحیح را انجام دادیم. تا به
نظر صاحب‌نظران چه آید.

سید احمد حسینی اشکوری

قم ۱۳۸۹ ش



— ♦ فهرست ♦ —

۵	♦ معرفی کتاب
۷	♦ شرح حال مؤلف
۱۱	♦ نسخه اشخاص تحقیق
۱۳	♦ نمونه خط مؤلف
۱۹	♦ مقدمه مؤلف
۲۱	♦ آغاز کتاب
۹۷	♦ منابع تحقیق

